

سیاست
تیران و تاریخ
تاریخ اسلام
تاریخ اسلام

تاریخ اسلام
تاریخ اسلام
تاریخ اسلام
تاریخ اسلام
تاریخ اسلام
تاریخ اسلام
تاریخ اسلام
تاریخ اسلام
تاریخ اسلام
تاریخ اسلام
تاریخ اسلام

ژیل سانتو پولو



دنیا بدون تو



ژیل سانتو پولو ۱۹۷۰
کلمبیا کارپتن می ای شرکت خود را در سال ۱۸۵۷ میلادی در آمریکا
برپا نموده که در آن زمان یکی از بزرگترین کتابخانه های آمریکا
ترجمه‌ی مسعود اسدی

بلوغیل به عربی چکی ای خوب شنیدن این کتاب خوب است
شنبه ژیل به عربی اسناد جو اندیشه های داشته باشد
هر چندی در طبعی داشته باشند چنانکه از ماه مخصوص دنیا سفر کرد و در سوز
رسانی کی سخنرانی می کند که این کتاب کاری می باشد

۱۰۰ صفحه



تیران و تاریخ
تاریخ اسلام
۳ - ۸۰ - ۸۶۴۱ - ۸۱۰ : ۰۰۲۰۰۰۰
۷۴

مقدمه مترجم

رمان «دنیا بدون تو» نخستین رمان نویسنده‌ی آمریکایی، خانم ژیل سانتوپولو به شمار می‌رود که برای مخاطب بزرگسال به رشته‌ی تحریر درآمده است. خانم سانتوپولو پیش از نگارش این رمان، مجموعه کتاب‌های موفقی را برای نوجوانان و کودکان نوشته بود. رمان «دنیا بدون تو» در اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ در آمریکا منتشر و بلافاصله به چندین زبان دیگر ترجمه و در کشورهایی مانند نروژ، سوئد، آلمان، جمهوری چک، برزیل، اسپانیا، پرتغال، اسلواکی، هلنن، مجارستان، بریتانیا، ایتالیا، فرانسه و چندین کشور دیگر منتشر گردید. داستان بنیادین رمان، حول محور عشق و انتخاب شکل می‌گیرد. قهرمان اصلی داستان درگیر عشقی می‌شود که او را مجبور می‌کند به انتخاب‌هایی دست بزند که ممکن است لزوماً مطلوب او نباشد. به قول نویسنده‌ی آمریکایی، خانم کارولین لیویت، چه چیزی می‌تواند خانمان براندازتر از عشق باشد؟

در رمان «دنیا بدون تو»، سیزده سال از زندگی قهرمان داستان، لوسوی کارتر به زبانی شیوا و دوست داشتنی روایت می‌شود. لوسوی کارتر مثل میلیون‌ها انسان دیگری که در این دنیا زندگی می‌کنند، فراز و نشیب‌هایی را در زندگی تجربه می‌کند که داستان این رمان را می‌سازند. آنچه این رمان را از

دنیا بدون تو

روایت‌های ساده و همیشگی که به صورت روزمره در اطرافمان می‌بینیم متمايز می‌کند، چیزی نیست جز نحوه‌ی رویرو شدن لوسی و سایر قهرمانان داستان با مفهوم «انتخاب».

خانم سانتوپولو معتقد است این رمان، قصیده‌ای است نفس‌گیر پیرامون این که حاضریم برای رسیدن به رویاها یمان تا کجا پیش روی و چه چیزهایی را بر سر راه عشقی که قرار است پایان غافلگیرکننده و پراحساسی داشته باشد، قربانی کنیم.

رمان «دنیا بدون تو» با نقدهای مثبت بسیاری رویرو شده است که باعث می‌شوند «ژیل سانتوپولو»، ورودی موفق به دنیا رمان‌های بزرگ‌سالان داشته باشد. در بسیاری از نقدهایی که بر رمان نوشته شده است، چالش‌هایی که نویسنده پیش روی قهرمان داستان می‌آفریند به عنوان نمادهایی از وقایع ساده، اما تأثیرگذار زندگی مورد ستایش منتقدین قرار گرفته است. «رنه کارولین» نویسنده‌ی «بو اس ای تودی» درباره‌ی کتاب می‌گوید:

«سانتوپولو توانسته هیجان و ویرانگری عشق را به خوبی به تصویر بکشد. کتاب را که در دست گرفتم نتوانستم تا تمام شدن زمین بگذارم. پایان کتاب، اشک را به چشم‌انم آورد. کتابی رومانتیک و اثرگذار که باعث می‌شود همه‌ی احساسات ممکن را با هم تجربه کنید.»

پایان جذاب و گیرای رمان در کنار پیکربندی مطلوب و پردازش قوی داستان می‌تواند بر ارزش و گیرایی خواندن این رمان بیفزاید.

در پایان لازم است توضیحی در مورد نامی که هنگام ترجمه برای این رمان انتخاب شده است ارائه شود. برگردان واژه‌ی به واژه‌ی نام اصلی کتاب، «نوری که از دست دادیم» خواهد بود. این عنوان توسط نویسنده با هوشمندی بسیار و با توجه به نقش قهرمان زن داستان در زندگی مردی که

مقدمه مترجم

نخستین بار عاشقش می‌شود انتخاب شده است. لوسی در زبان انگلیسی با واژه‌ی «نور» هم خانواده است. پس «نوری که از دست دادیم» می‌تواند به بهترین نحو گویای فراز و نشیب‌های زندگی لوسی به عنوان قهرمان زن داستان باشد. اما در زبان فارسی، ارتباط برقرار کردن با واژه‌ی لوسی و ربط دادن آن به «نور» نمی‌تواند چندان برای مخاطب، قابل درک باشد. لذا تصمیم گرفته شد در انتخاب عنوان فارسی کتاب، از یکی از مترادف‌هایی که در سایر زبان‌ها انتخاب شده بود، استفاده شود. این رمان در زبان‌های نروژی و سوئدی، «دنیا بدون تو» نامگذاری شده است که به نظر می‌آید هم می‌تواند گویای محتوای داستان باشد و هم پذیرش آن برای مخاطب فارسی زبان، آسان‌تر است.

مترجم

مذاق دلنشیز

گاهی اوقات اشیاء می‌توانند راویان تاریخ باشند. مثلاً من همیشه تصورم این بوده، میز چوبی‌ای که هنگام سمینار شکسپیری پروفسور کرمر^۱ در سال آخر دانشگاه دورش می‌نشستیم، قدمتی به اندازه خود دانشگاه کلمبیا دارد. فکر می‌کردم آن میز از سال ۱۷۵۴ در آن اتاق بوده است. لبه‌های میز بعد از گذشت چندین قرن و دیدن دانشجوهایی مثل ما، خورد شده بود. البته تصورم نمی‌توانست درست باشد. اما من دوست داشتم چنین تصوری داشته باشم. دانشجویانی در زمان‌های مختلف، دور آن میز نشسته بودند از زمان جنگ استقلال آمریکا تا جنگ داخلی و یا دو جنگ جهانی یا جنگ‌های کره، ویتنام و خلیج فارس.

جالب این جاست که اگر از من بپرسی در آن روز چه افراد دیگری در آن جا با ما بودند نمی‌توانم جوابی بدهم. قبلًا می‌توانستم چهره‌ی همه آن‌ها را به وضوح به یاد بیاورم، ولی بعد از سیزده سال، فقط تو و پروفسور کرمر را به یاد دارم. حتی دستیار استاد را که تأخیر زیادی داشت - حتی زیادتر از تو - و دوان دوان وارد کلاس شد را هم به یاد ندارم.